



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیسی، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بره دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi

Assistant Professor, Department of International Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

Majede Magholi

Master's student in International Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهار چوب تغییرات اقلیمی

سبحان طیبی

استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

sobhantayebi@yahoo.com

<http://orcid.org/0000-0002-2668-8574>

ماجده معقولی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

majedemagholi1851371@gmail.com

Abstract

Crimes against nature, or ecocide, are among the most prominent harms facing the biosphere and a serious threat to human life. In this regard, given the fragile conditions confronting the biosphere due to climate change, it appears that widespread hazards, which are among the factors threatening human life, have practically remained unaddressed. The punitive approach and justice-oriented perspective are among the strategies considered for suppressing these crimes. However, the approach of international actors in this regard must also be clear in order to make an accurate decision. The current approach of the international community in accepting the jurisdiction of the International Criminal Court indicates that achieving environmental criminal justice is a long path. This research, aiming to explain the realization of this important matter, employs a descriptive-analytical method to present frameworks for combating climate crimes. The present study seeks to answer the question: To what extent is the resilience of the international criminal law system close to achieving the criminalization of climate hazards in light of environmental justice? Our finding in this research is essentially the confirmation of the hypothesis that existing capacities indicate the feasibility of climate criminalization, but international commitments and state responsibility are not adequately aligned with this process.

Keywords: Climate Change, Environmental Justice, International Criminal Law.

چکیده

جرایم علیه طبیعت یا اکوساید از جمله بارزترین آسیب‌های فراوری زیست کره و تهدید جدی برای حیات بشری است. در این راستا با شرایط شکننده پیش روی زیست کره در اثر تغییرات اقلیمی، به نظر می‌رسد مخاطرات گسترده که جزء عوامل تهدیدکننده حیات انسانی است، عملاً بی‌پاسخ مانده است. نگاه کیفری و رویکر عدالت محور از جمله راهبردهای مدنظر برای مهار این جرائم است. اما بایستی رویکرد بازیگران بین‌المللی نیز در این خصوص واضح باشد تا بتوان تصمیم دقیقی گرفت. رویکرد فعلی جامعه بین‌المللی در پذیرفتن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نشان از آن دارد که رسیدن به عدالت کیفری زیست محیطی یک مسیر طولانی است. این پژوهش با هدف تبیین تحقق این مهم و به‌صورت توصیفی و تحلیلی به ارائه چهارچوب‌های مقابله با جرائم اقلیمی می‌پردازد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که تاب‌آوری نظام حقوق بین‌المللی کیفری تا چه میزان به تحقق جرم انگاری مخاطرات اقلیمی در پرتو عدالت زیست محیطی نزدیک است؟ یافته ما در این پژوهش در واقع تثبیت این فرضیه است که ظرفیت‌های موجود نشان‌دهنده تحقق جرم انگاری اقلیمی است اما تعهدات بین‌المللی و مسئولیت دولت‌ها با این روند همخوانی مناسبی ندارد.

واژگان کلیدی: تغییرات اقلیمی، عدالت زیست محیطی، حقوق بین‌المللی کیفری.

Received: 2026/06/27 - Review: 2026/08/17 - Accepted: 2026/09/12

برای استناد به این مقاله، لطفاً به فرمت زیر عمل کنید: مجله تمدن حقوقی، دوره ۹، شماره ۲۸، تابستان ۱۴۰۵، صفحه ۴۱ تا ۶۴

ارجاع:

طیعی، سبحان؛ معقولی، ماجده؛ (۱۴۰۵)، امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به آکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

این یک واقعیت و همچنین یک دیدگاه پذیرفته شده جهانی است که تغییرات اقلیمی عمدتاً توسط کشورهای توسعه یافته ایجاد شده است. درحالی که کشورهای کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته در حال حاضر متضرر شده‌اند و در آینده بیشتر تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. این مسئله از یک سو نشان می‌دهد که کمترین مسئولیت برای ایجاد آن‌ها، بیشترین نگرانی در مورد عدالت را به همراه دارد. از سوی دیگر کشورهای ثروتمندتری که عمدتاً باعث تغییرات اقلیمی شده‌اند، رویکردشان این است که کاهش قابل توجه انتشار گازهای گلخانه‌ای در گرو متعهد شدن کشورهای کمتر توسعه یافته است. این دیدگاه متأثر از فرایند پیچیده دادوستدی است که برخلاف گذشته، در حال حاضر در جریان کنفرانس‌های بین‌المللی و شکل‌گیری معاهدات رخ می‌دهد و عملاً کشورهای توسعه یافته به راحتی امتیاز نمی‌دهند و کشورهای در حال توسعه را درگیر می‌کنند (طیعی، ۱۳۹۹، ۶۳).

هرچند این دیدگاه با توجه به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت جای تأمل دارد. از زمان گزارش هیئت بین‌الدولی تغییر اقلیم در سال ۲۰۲۳ میلادی درباره گرمایش یک و نیم درجه سانتیگراد، جهان می‌داند که تفاوت بین یک و نیم درجه سانتیگراد و دو درجه سانتیگراد معادل مرگ صدها میلیون جاندار است؛ بنابراین، ضرورت دارد که در مورد مسئولیت کیفری بحث عمومی جدی داشته باشیم.

در این راستا، بایستی دریابیم که عامل ایجاد این مشکلات چه کسانی بوده‌اند؟ و همچنین چه کسانی این مهم را متحمل می‌شوند؟ این رویکرد باعث می‌شود تا بحث عدالت مشهودتر جلوه نماید. اساس این عدالت، نگاه مؤثر و شناخت دقیقی از عدالت زیست محیطی و مسئولیت پیش روی کشورها نسبت به جلوگیری از نقض تعهدات است.

با این توصیف توسعه به‌عنوان یک مفهوم مترقی بایستی به چهارچوب‌های محیط زیست احترام بگذارد و این یک نگاه حقوق بشری است. در واقع نگاه حقوق بشری در تعامل با عدالت زیست محیطی همگام با رفتار منصفانه قرار می‌گیرد. همچنین، مخاطرات زیست محیطی به‌عنوان مشکل فراروی جامعه جهانی قرار دارد و تغییرات اقلیمی از جمله مخاطرات نوظهوری است که بایستی با تعاملات بین‌المللی حتی المقدور کاهش یابد. از این‌رو، به منظور پایان دادن به بی‌کیفرمانی جرائم زیست محیطی، جامعه بین‌المللی بایستی به‌صورت مستقل به جرم‌انگاری اکوساید به‌عنوان شدیدترین و مهم‌ترین مسئله بپردازد و رسیدگی به این جنایت را در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دهد.

۱- رویکرد مبنایی به عدالت اقلیمی

عدالت اقلیمی مفهومی است که علاوه بر تقسیم و توزیع عادلانه بارهای ناشی از تغییرات اقلیمی و کاهش آن، به مسئولیت‌های آن برای مقابله با تغییرات آب و هوایی می‌پردازد. در واقع شرکت‌ها، افراد و دولت‌ها در قبال افراد آسیب‌پذیری که به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر تغییرات آب و هوایی قرار می‌گیرند، مسئولیت و تعهد دارند. عدالت اقلیمی در امتداد عدالت رویه‌ای^۱ و عدالت توزیعی^۲ قرار دارد. مقررات کیفری در چهارچوب سازوکارهای قانونی اولیه برای پرداختن به تغییرات آب و هوا فاصله زیادی دارد. تغییرات اقلیمی ممکن است میزان جرم و جنایت را افزایش دهد و فعالیت‌های جدید ممکن است تحت تأثیر رفتار مجرمانه قرار گیرند. مقررات کیفری می‌تواند انواع خاصی از

۱- تصمیم‌گیری منصفانه، شفاف و فراگیر

۲- هزینه‌های تغییرات آب و هوایی و اقدامات انجام شده

اقدامات اقلیمی را فعال و خنثی کند و مجازات‌های کیفری ممکن است نقش کوچکی در کاهش آسیب به اقلیم داشته باشد (Skillington, 2019, 61).

بنابراین، جرم و جنایت یکی از مسائل اجتماعی است که با تغییرات آب و هوایی در تعامل است. به‌طور کلی، تغییرات آب و هوایی تأثیر غیرمستقیم بر قوانین کیفری دارند و حقوق کیفری یکی از حوزه‌های حقوقی است که ممکن است شاهد افزایش تمرکز جزئی بر تغییرات آب و هوایی باشد. تغییرات آب و هوایی ممکن است نرخ جرم و جنایت را افزایش دهد یا حداقل کاهش آن، سبب کاهش جرائم شود. تحولات سیاسی و اقتصادی مانند بازارهای کربن منجر به انواع جدیدی از تقلب شده که ممکن است با رشد این سازوکارها خطرات برجسته‌تری ایجاد شود. جرائم زیست محیطی، چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم با تغییرات اقلیمی مرتبط است و ممکن است به جلوگیری از موارد فاحش آلودگی کمک کند. به هر ترتیب، آخرین بررسی‌های انجام پذیرفته بر روی موضوع تغییرات اقلیمی و رویکرد گزارش ششم ارزیابی تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که اثرات این تغییرات بیشتر از آن چیزی است که پیش‌بینی می‌شده و از این موضوع به‌عنوان شاهد راجع به روند دلخراش و اضطراری تغییرات آب و هوایی یاد شده است (Gergis, 2022, 70).

در این راستا به نظر می‌رسد سیاست‌های عادلانه تغییرات آب و هوایی می‌تواند مسیر عدالت را هموار سازد و از آسیب پذیرترین جوامع محافظت نماید. از این رو، جامعه جهانی بایستی از ایجاد زمینه گرمایش بیش از حد زیست کره به واسطه انتشار گازهای گلخانه‌ای دست بکشد؛ فرصت‌های سازگاری و توانمندسازی جوامع آسیب پذیر فراهم گردد؛ هیچ گروهی نباید بارهای ناشی از گذار از اقتصاد مبتنی بر سوخت‌های فسیلی به اقتصاد مبتنی بر انرژی‌های تجدیدپذیر را به تنهایی به دوش بکشد؛ اصل مشارکت و جمع‌سپاری تقویت گردد؛ افراد، جوامع و ملت‌ها باید با هم همکاری کنند تا تغییرات آب و هوایی جهانی متوقف گردد؛ کشورهایی که بیشترین سهم را در گرمایش جهانی دارند باید در حل این مشکل پیش قدم شوند؛ ذخایر سوخت فسیلی شناخته شده در حال حاضر در آینده بسیار دور باقی خواهند ماند. اکتشاف سوخت‌های فسیلی فرهنگ‌های منحصر به فرد و اکوسیستم‌های

ارزشمند را از بین می‌برد.

اکتشاف باید متوقف شود زیرا دیگر ارزش هزینه را ندارد. در عوض باید روی منابع انرژی تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کنیم؛ پاسخگویی درخصوص بازارهای جهانی کربن بایستی وجود داشته باشد؛ با عنایت به عدم قطعیت اصل احتیاطی همواره مدنظر باشد تا بتوان اقدامات پیشگیرانه را برای به حداقل رساندن آسیب به اقلیم جهانی قبل از وقوع آن انجام گردد؛ حفاظت از نسل‌های آینده ضرورتی غیرقابل انکار است چرا که بیشترین تأثیرات تغییرات آب و هوایی در آینده خواهد بود. ما باید تأثیرات آن را بر نسل‌های آینده در تصمیم‌گیری سیاست امروز در نظر بگیریم و فرزندان ما باید از طریق استفاده پایدار از منابع فرصت موفقیت داشته باشند؛ اصل پرداخت توسط آلوده ساز و جبران خسارات زیست محیطی ناشی از تغییر اقلیم میسر گردد؛ آموزش نسل حاضر و آینده در مورد مسائل آب و هوایی، انرژی، اجتماعی و زیست محیطی بر اساس تجربیات واقعی زندگی و درک دیدگاه‌های فرهنگی متنوع انجام پذیرد و نهایتاً تقویت درک مسئولیت فردی و اجتماعی در قبال زیست کره مدنظر قرار گیرد (Knight, 2023, 19).

۲- ایجاب‌شناسایی و به رسمیت شناختن عدالت کیفری

رویکردهای جهان سوم به حقوق بین‌الملل این ایده را که حقوق بین‌الملل در همه جا قابل اجرا است را به چالش می‌کشد. این امر عدالت شناختی را دربرمی‌گیرد و مسئله نژاد باید آشکارا با آن روبرو شود. در بررسی جرم اکوساید در دیوان بین‌المللی کیفری، از آن جایی که به تغییرات آب و هوایی مربوط می‌شود، نقش مهم حقوق بین‌الملل در ایجاد عدم تعادل ثروت و قدرت باید به صراحت مورد توجه قرار گیرد. این مسئله بر سایر امور حقوق بین‌الملل از جمله دیوان بین‌المللی کیفری تأثیر می‌گذارد. محدودیت‌هایی در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد که باعث ایجاد بی‌عدالتی می‌شود، زیرا به تغییرات آب و هوایی و اکوسایدها مربوط می‌شود. یکی بحث موقتی بودن این مسئله است، دیگر این که جرائم نمی‌توانند عطف به ماسبق شوند و بنابراین پیگرد قانونی برای

اکوساید تنها می‌تواند برای اقداماتی صورت گیرد که در اساسنامه رم به‌عنوان جرم درج شده باشد. کشورهای توسعه یافته ظرفیت بیشتری برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای داشته‌اند و این در حالی است که همه آن‌ها مانند کانادا چنین ظرفیتی ندارند و یا مانند بریتانیا پیشرفت چشمگیری نداشته‌اند (بذار، ۱۴۰۰، ۳).

کشورهای توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته زمان بیشتری برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نیاز دارند، زیرا برای توسعه به انرژی نیاز دارند. این امر آن‌ها را به‌طور بالقوه در برابر یک جنایت جدید اکوساید در دیوان بین‌المللی کیفری آسیب پذیرتر می‌کند، زیرا این جنایت به تغییرات اقلیمی مربوط می‌شود و بنابراین بی‌عدالتی را تشدید می‌کند و برخلاف عدالت اصلاحی است. محدودیت دیگر ظرفیت و تمایل به تعقیب است که در ماده ۱۷ اساسنامه رم به آن اشاره شده است و بیان می‌دارد که یک پرونده فقط زمانی قابل پذیرش است که دولت واقعاً مایل یا قادر به انجام تحقیقات یا تعقیب نباشد. این بدان معنا است که دیوان بین‌المللی کیفری فقط در مواردی که تشخیص دهد ظرفیت یا تمایل به انجام تحقیق و تعقیب دچار ضعف است، پیگرد قانونی خواهد داشت. این مهم به‌عنوان «پذیرش ناتوانی و وابستگی دولت» توصیف شده است.^۳ در زمینه تغییرات اقلیمی، این مانع دیگری در برابر هرگونه پیگرد قانونی کشورهای غربی است و اصل عدالت رویه‌ای را نقض می‌کند. در این راستا و در جهت مرتفع نمودن برخی از محدودیت‌ها حتی المقدور بایستی سوبیه‌های عدالت، صلاحیت دیوان و جرم انگاری اقلیمی را به هم نزدیک کرد.

با توجه به تغییرات اقلیمی، آیا دیوان بین‌المللی کیفری با عنایت به ظرفیت‌های قانونی، می‌تواند آسیب‌های ایجاد شده را مورد پیگرد قانونی قرار دهد؟ و این مهم چگونه میسر است؟ در این خصوص می‌توان بیان داشت که دو راه برای تعقیب کیفری توسط دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد، یکی امضای اساسنامه رم و پذیرفتن صلاحیت دیوان و دیگری ارسال پرونده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد. در این راستا سه کشور ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه عامل اصلی

انتشار گازهای گلخانه‌ای و سهم بیشتری در تغییرات اقلیمی دارند و نکته جالب این است که هیچ کدام از امضاءکنندگان اساسنامه رم نیستند و هر سه عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل هستند و در نتیجه حق وتو دارند؛ بنابراین، تنها راه برای مورد پیگرد قراردادن افرادی از این سه کشور توسط دیوان بین‌المللی کیفری به دلیل اکوساید تغییرات اقلیمی، این است که شورای امنیت سازمان ملل این پرونده را ارسال کند و آن‌ها با وتو جلوی آن را نگیرند. این همان جایی است که سیاست وارد عمل می‌شود. آلمان چهارمین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای، انگلستان پنجمین، فرانسه هفتمین و کانادا هشتمین کشور هستند. آیا واقعاً می‌توان فکر کرد که دیوان بین‌المللی کیفری رهبران آن‌ها را محاکمه خواهد کرد؟

پاسخ به این پرسش احتمالاً منفی است چرا که دیوان بین‌المللی کیفری برای کدام جنایات توانسته سران این کشورها را محکوم کند که بتواند در این مورد نیز ورود داشته باشد. انگلستان صلاحیت دیوان را پذیرفته ولیکن آیا به‌خاطر تهاجم غیرقانونی به عراق تحت لوای نیروهای ائتلاف، دیوان بین‌المللی کیفری توانست سران آن را تعقیب نماید؟ این مسئله‌ای است که عدالت زیست محیطی را دچار اشکال می‌کند. به‌عنوان مثال دیگر، زمانی که دیوان بین‌المللی کیفری به تحقیقات ایالات متحده امریکا برای جنایات در افغانستان اشاره کرد، رئیس‌جمهور وقت^۴ تحریم‌هایی را علیه دو عضو سیاه‌پوست آفریقایی دفتر دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری صادر کرد؛ بنابراین، پیگرد قانونی برای اکوسایدها از آن جایی که به تغییرات اقلیمی مربوط می‌شود، عملاً در برابر بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای دشوار است (Owiso, 2021, 17). در این راستا محاکمه رهبران یا شهروندان کشورهای توسعه نیافته که کمترین کمک را داشته‌اند و در حال حاضر بیشترین هزینه را پرداخت کرده‌اند، برعکس عدالت اصلاحی خواهد بود. این در حالی است که کسانی که بیشترین آسیب را وارد کرده‌اند، از عدالت فرار می‌کنند.

۳- فرایند عادلانه توسط کشورهای در حال توسعه

نیاز به گفت‌وگو بین ملت‌ها و دولت‌ها یک امر اجتناب‌ناپذیر است. درحالی‌که درست است که کشورهای آفریقایی محرک‌های ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری بودند، اما اکنون نارضایتی گسترده و موجهی در سطح بین‌المللی ناشی از وقوع جرائم وجود دارد و به نوعی فراگیر شده و پای صلاحیت جهانی به میان آمده است. لذا این مهم بایستی در فرایند پیگیری قرار گیرد. نهاد مناسب بین‌المللی سازمان ملل متحد برای رسیدگی به این موضوع می‌تواند مجمع عمومی سازمان ملل متحد باشد. جایی که «یک ملت یک رأی» وجود دارد، یا مجمعی باشد که توسط کشورهای تشکیل شود که بیشترین تأثیر را از تغییرات اقلیمی دارند.

اگر عدالت تنها دغدغه بود و واقعیت‌های قدرت جهانی نبود، شاید عادلانه‌ترین راه‌حل، دادگاه جدیدی شبیه به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق یا شبیه به آن بود، اما توسط کشورهای در حال توسعه اداره می‌شد و بر کشورهای که سبب ایجاد مخاطره شده‌اند اعمال صلاحیت می‌کرد. برای مطابقت با اصول اولیه عدالت زیست محیطی، هر جنایت یا فرایند بین‌المللی ایجاد شده برای رسیدگی به تغییرات اقلیمی باید تفاوت‌های ساختاری و پیشینه مشترک کشورها در این خصوص همچون ثروت هنگفتی را که در مسیر ایجاد مشکل اقلیمی توسط جهان غرب ایجاد شده، رنج عظیم فقرای جهان و مردم و ملل رنگین پوست در نتیجه آن و بی‌عدالتی اجتماعی ناشی از تغییرات اقلیمی را بشناسد. مهم‌تر از همه، با هدف رسیدگی به عدم تعادل و اصلاح آن اقدام گردد؛ بنابراین، کشورهای در حال توسعه، بنابر مسئولیت مشترک اما متفاوت بایستی هدایت فرایند عادلانه در جهت تحقق کاهش مخاطرات اقلیمی را مدنظر قرار دهند (Shue, 2014, 26).

اگر به تفاوت بین تغییر اقلیم و تغییر آب و هوا قائل باشیم، بایستی به یک نکته مهم مجدداً توجه داشته باشیم و آن هم تعامل بین کشورهای شمال و جنوب است. پروفیسور نایجل ساوت این را به‌عنوان «شکاف آب و هوا» توصیف می‌کند و آن را این گونه تعریف می‌کند: «شرایطی که در آن شرایط ایجاد تغییرات اقلیمی عمدتاً توسط جوامع مصرف‌کننده ثروتمند ایجاد می‌شود، اما بیشترین

هزینه‌ها و بدبختی‌های ناشی از آن را بر کشورهای فقیر و تازه در حال توسعه تحمیل می‌کند». این همان سویه‌ای است که عدالت زیست محیطی را دچار اختلال می‌نماید. یکی از ویژگی‌های کلیدی عدالت زیست محیطی و اقلیمی این است که «ما برای خودمان صحبت می‌کنیم». پروفیسور دבורا مک گرگور عدالت محیطی را چنین توصیف می‌کند: «در مورد روابط قدرت بین مردم و بین مردم و نهادهای مختلف استعمار، این موضوع به مسائل مربوط به تسلط فرهنگی، تخریب محیط زیست و نابرابری از نظر چگونگی تأثیر متفاوت گروه‌های خاصی از مردم توسط تخریب محیط زیست از سایرین مربوط می‌شود».

عدالت اقلیمی به‌عنوان اصرار بر تغییر گفتمان درباره گازهای گلخانه‌ای و ذوب یخ‌ها به جنبش حقوق مدنی با مردم و جوامعی که در قلب آن آسیب‌پذیرتر از تأثیرات آب و هوایی توصیف شده، این عدم تعادل را توصیف می‌کند (Lovelace, 2009, 37). به هر ترتیب، بحران آب و هوا در ریشه‌های خود نتیجه آن است که انسان‌ها از مسیر زیست محیطی حیات همگام با عدالت و پایداری منحرف شده‌اند. این نتیجه فراموشی این است که ما شهروندان زمین هستیم و از این رو عدم توازن حاصل در رابطه بین «زمین و گونه هایش» به‌عنوان ورود خسارت و ضرر تعبیر می‌شود. به هر ترتیب، ما به‌عنوان یک جامعه جهانی که تا این حد از تعادل خارج شده و در آستانه نابودی خود هستیم، باید به دنبال ابزارهای بازگرداندن تعادل باشیم. یکی از راه‌های انجام این کار این است که از کسانی که باعث آن شده‌اند حساب پس دهند و پاسخگو باشند.

۴- عدالت کیفری بین‌المللی و حقوق اقلیمی

نظام در حال تحول عدالت کیفری بین‌المللی^۵ می‌تواند به‌عنوان یک بخش مهم از حکمرانی جهانی در نظر گرفته شود. دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان «چهره» عدالت کیفری بین‌المللی ناقص است (Bassiouni, 2005, 61). نه تنها قرار نیست تنها یا حتی مهم‌ترین مجری حقوق کیفری بین‌المللی باشد،

۵- چه از نظر حقوق ماهوی و چه از نظر اجرایی

بلکه فاقد مکانیسم‌های خاصی است که برای رسیدگی به جنایات احتمالی علیه محیط‌زیست و به‌طور گسترده‌تر، جرائم در زمینه تغییرات آب و هوایی ضروری است (Bachmann, 2007, 71). توسعه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و الزامات معاهداتی موجود نیازمند توجه دولت‌ها و پیروی از معاهدات است و از طرفی این مهم می‌تواند ابزار مناسبی برای مقابله با تغییرات اقلیمی چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه داخلی باشد (حاج زاده، ۱۳۹۹، ۶۹).

مخاطرات زیست محیطی در عصر حاضر به‌عنوان مشکلی فرا روی جامعه جهانی قرار دارد و این مشکلات زیست محیطی را می‌توان ناشی از یک بحران اجتماعی دانست که تهدیدی برای صلح و امنیت محسوب می‌شوند. در این راستا، تغییرات اقلیمی از جمله مخاطرات نوظهور یا نوین است که چالش‌های زیادی را از جمله گرمایش جهانی، عدم ثبات گازهای گل‌خانه‌ای، تخریب لایه ازن، ذوب یخ، بالا آمدن سطح آب دریاها، پدیده‌های اقیانوسی و باران‌های اسیدی را شامل می‌گردد (طیّبی و ضرابی، ۱۳۹۷، ۱۶۳). مؤلفه‌های مثبت در جرم انگاری بین‌المللی زیست محیطی بیان گر نگرانی جامعه جهانی از آینده کره زمین و تجربیات و خطرات بالقوه و بالفعل است (جام بزرگ و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۶۳).

انواع جرائم مربوط به عدالت کیفری بین‌المللی آن‌هایی هستند که کل نوع بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این یک دیدگاه هنجاری است. مسئله واقعی تأثیر سرزمینی نیست. «بین‌المللی» در این زمینه به معنای «یش از یک حوزه قضایی» یا «بیش از یک دولت» نیست (Werle, 2005, 35). ماهیت ذاتی جنایاتی مانند نسل کشی و جنایات علیه بشریت این است که کل بشریت را تحت تأثیر قرار داده و شوکه می‌کند، از این رو به آن جرم بین‌المللی می‌گویند (Vinuales, 2011, 239). محیط زیست، آب و هوا و اکوسیستم‌های پیچیده، مشترک نوع بشر هستند و هرگونه آسیب شدید، جدی یا بلندمدت به محیط زیست^۶ حداقل به‌عنوان یک اصل، شایسته است و اقدامات بین‌المللی، از جمله از طریق سیستم

۶- از جمله در نتیجه تغییرات آب و هوا

عدالت کیفری بین‌المللی مدنظر قرار می‌گیرد (Werner, 2007, 25).

جنایات علیه محیط‌زیست به‌عنوان جنایات علیه بشریت یا جنایات خودمختار تحت اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی یا هر دیوان کیفری بین‌المللی دیگری پذیرفته نشدند. در حال حاضر هیچ معاهده جامعی وجود ندارد که جرائم علیه محیط‌زیست را پیش‌بینی کند (نماین، طیبی، ۱۴۰۱: ۷۸). واضح است که اساسنامه رم از نظر مفهوم ماهوی جرائم علیه محیط‌زیست بسیار محدودتر است. این به دور از دیدگاه مترقی‌تر از جنایات علیه محیط‌زیست به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی مستقل یا به‌عنوان جنایت علیه بشریت است که در زمان صلح یا در طول یک درگیری مسلحانه انجام شده است (Poorhashemi, 2022-A, 73).

جنایات سنگین علیه محیط‌زیست، کل بشریت را تحت تأثیر قرار می‌دهند که پاسخ جهانی^۷ مورد نیاز است (Zahar & Göran, 2008, 105). این کافی نیست که اجرای آن را به دولت‌های فردی واگذار کنیم. این یک پرسش باز است که آیا دولت‌ها همیشه مایل یا قادر به پیگرد قانونی نقض قوانین زیست‌محیطی هستند؟ مقابله کیفری موفق در سطح ملی می‌تواند زمینه فراگیری آن در سطح بین‌المللی را فراهم سازد (طیبی، ۱۴۰۰، ۲۶۴).

آفریقای جنوبی نمونه‌ای از این مورد است. یک گزارش در سال ۲۰۱۲ میلادی اشاره کرد که، درحالی‌که قانون ملی مدیریت محیط‌زیست تعدادی از جرائم جنایی را پیش‌بینی می‌کند، افراد و شرکت‌ها اغلب از وزارت مربوطه درخواست می‌کنند تا مجوزهای قبلی بخش‌های مربوطه از قانون را نقض کنند. این قانون در واقع چنین مجوزهای پس از واقع را پیش‌بینی می‌کند، اما به نظر می‌رسد یک عمل تقریباً نهادینه شده با این ماهیت سوءاستفاده و نقض متن و روح قانون باشد. این نشان می‌دهد که اراده سیاسی و نهادی برای مبارزه با نقض قوانین زیست‌محیطی ضعیف است. بیشتر بر این نکته تأکید می‌کند که نمی‌توان به دولت‌ها به تنهایی در مورد مسائلی که بر محیط‌زیست تأثیر

۷- یا در اصطلاح حقوقی بین‌المللی

می‌گذارند اعتماد کرد، به‌خصوص اگر تأثیر آن فراتر از محیط محلی باشد. یک رویکرد بین‌المللی یا فراملی مورد نیاز است. جرم‌انگاری نهایی جنایات علیه محیط‌زیست در سطح بین‌المللی ممکن است به وادار کردن دولت‌ها کمک کند تا وظایف حافظت خود را به‌عنوان حافظان محیط‌زیست از طرف تمام بشریت جدی بگیرند (Minha, 2020, 512).

از نظر جغرافیایی و عملگرایی سیاسی، ممکن است پیشبرد دستور کار جرم‌انگاری جنایات علیه محیط‌زیست در سطح منطقه‌ای منطقی باشد. این ممکن است، حداقل در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت، واقع‌بینانه‌تر از فشار برای ایجاد یک رژیم بین‌المللی واقعی در زمینه مسئولیت کیفری جنایت علیه محیط‌زیست باشد. یا رژیم اجرای عمودی فراملی یا بین‌المللی که بیشتر بر ایجاد تعهدات معین^۸ و همکاری بین‌المللی^۹ در امور کیفری متمرکز است. در چهارچوب اتحادیه اروپا، تعدادی از جرائم ایجاد شده است. تعدادی از اسناد اتحادیه اروپا جرم‌انگاری برخی از منافع حفاظت شده را پیش‌بینی می‌کنند. این جرائم شامل جنایات علیه رقابت منصفانه، جنایات علیه یکپارچگی بخش مالی، جنایات علیه کرامت انسانی، جنایات علیه جامعه دموکراتیک و جنایات علیه محیط‌زیست است (Poorhashemi, 2022-B, 115).

دیوان کیفری بین‌المللی بهترین ابزار موجود برای اعمال مستقیم حقوق کیفری بین‌المللی در سطح جهانی است. این البته مکمل سیستم‌های عدالت کیفری ملی است؛ بنابراین، تأکید بر کاربرد ملی و اجرای قوانین کیفری بین‌المللی است (نمایان و طیبی، ۱۴۰۱، ۸۰). دیوان کیفری بین‌المللی نیز محدودیت‌هایی خاص خود را دارد. به‌طور مثال، صلاحیت رسیدگی به اشخاص حقوقی^{۱۰} را ندارد. صلاحیت ماهوی آن در حال حاضر محدود به جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی است. اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری روش‌های اصلاحی را ارائه می‌کند و اولین کنفرانس

۸- دولت‌های متعاقد باید به‌عنوان مثال، مقررات کیفری خاصی را در قوانین کیفری داخلی خود وارد کنند

۹- افقی

۱۰- شرکت‌ها

بازنگری در مورد اساسنامه رم^{۱۱} ثابت کرد که واقعاً امکان گسترش صلاحیت ماهوی دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد. با این حال، گنجاندن جنایت تجاوز که مدت‌ها به عنوان یکی از جنایات اصلی تحت قوانین بین‌المللی شناخته می‌شد و در واقع به عنوان «عالی‌ترین جنایت بین‌المللی» در نورنبرگ توصیف می‌شد، شاید در نهایت به دلیل مبنای تاریخی، کمتر دشوار بود (Klip, 2012, 21).

جرم انگاری تجاوز جرائم علیه محیط زیست، چه رسد به جرائم در زمینه تغییرات آب و هوایی، هنوز به عنوان مفاهیم مجرمانه شناخته شده جهانی در نظر گرفته می‌شوند. نه تنها در سطح اساسی است که جنایات زیست محیطی یا جنایات در متن تغییرات آب و هوایی ممکن است از نظر رژیم دیوان بین‌المللی کیفری مشکل ساز باشند. دیوان کیفری بین‌المللی فقط بر اشخاص حقیقی صلاحیت دارد. هر گونه گسترش صلاحیت ماهوی دیوان بین‌المللی کیفری برای شامل جرائم علیه محیط زیست یا جرائم در زمینه تغییرات آب و هوایی نیز باید با صلاحیت گسترده دیوان بین‌المللی کیفری همراه باشد تا مسئولیت کیفری شرکت‌ها را نیز دربرگیرد (Minha, 2020, 532).

۵- تغییرات اقلیمی و صلح و امنیت جهانی

تغییرات آب و هوایی نه تنها افراد را تهدید می‌کند، بلکه صلح و امنیت جهانی را نیز تهدید می‌کند. پاتریشا اسپینوزا، دبیر اجرایی کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا، در اولین هفته آب و هوای خاورمیانه و شمال آفریقا^{۱۲} در بیست و پنجم مارس ۲۰۲۲ میلادی گفت: «تغییر اقلیم یک پدیده بی‌ثبات‌کننده است که می‌تواند امنیت غذایی، امنیت آب، امنیت انرژی و امنیت انسانی را تحت تأثیر قرار دهد». شدت تأثیرات و پتانسیل اختلالات اجتماعی، تغییرات آب و هوایی را بیش از یک تهدید امنیتی نشان می‌دهد. از این رو، تغییر آب و هوا تهدیدی جدی برای زندگی است که ما آن را می‌شناسیم.

گزارش اخیر «ششمین گزارش ۲۰۲۲ میلادی» ارزیابی هیئت بین دولتی تغییر اقلیم به وضوح نشان

۱۱- که در کامپالا در سال ۲۰۱۰ میلادی برگزار شد

می‌دهد که همه کشورها باید تهدید تغییرات آب و هوایی را جدی‌تر بگیرند. ما مرزهای سیاره‌ای خود را به خطر می‌اندازیم و برخی از این مرزها در نقطه شکست هستند. زمان آن فرا رسیده است که همه افراد، دولت‌ها و کسب و کارها تصمیماتی اتخاذ کنند که منعکس‌کننده و احترام به آن مرزها باشد. در همین راستا، آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد بیان داشته که تغییرات آب و هوایی «تأثیر چند برابری دارد و عاملی تشدیدکننده برای بی‌ثباتی، درگیری و تروریسم است».^{۱۳} مقابله با بحران‌های زیست محیطی در یک چهارچوب قانونی و تحت نظارت چندلایه معاهداتی جهت حفظ عدالت مطابق با فرایندهای موجود و حاکمیت حقوق جهانی در جهت نظم جهانی و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است (طیبی و پوره‌اشمی، ۱۳۹۶، ۳۸). با این وصف تشدید تغییرات اقلیمی، مغایرت جدی با صلح بین‌المللی و امنیت جهانی دارد.

۶- به سوی حقوق بین‌الملل کیفری اقلیمی تحول گرا

مقررات موجود درخصوص تغییرات اقلیمی نشانگر نقطه تحول و این تازه شروع تفکر در این زمینه است. پروفیسور پاتریک کینان خاطرنشان می‌کند که «اگر حتی برآوردهای نسبتاً محافظه کارانه از تأثیرات تغییرات آب و هوایی محقق شود، مسائل حقوقی کافی برای نسلی از حقوقدانان و محققان وجود خواهد داشت که به آن رسیدگی کنند». این مهم را می‌توان در مورد حقوق بین‌المللی کیفری که به تغییرات اقلیمی مربوط می‌شود نیز گسترش داد. یک نسل کامل از رهبران جهان وجود دارند که زیر نظر آن‌ها نابودی تمدن آغاز شده است. نسل جدید در مراکز عمومی بیرون آمده‌اند و شکست‌های اقلیمی دولت‌های خود را به چالش می‌کشند. هنگامی که آن‌ها قدرت را به دست می‌گیرند به راحتی می‌توان تصور کرد که آن‌ها به دنبال پاسخگویی هستند.

در همین راستا، ایجاد یک دادگاه مستقل کیفری شاید امکان نداشته باشد اما در بدنه دیوان بین‌المللی کیفری می‌توان این موضوع را به نتیجه رساند. رودا ورهین، وکیل و قاضی آلمانی، دادگاه

جدیدی را برای رسیدگی به دعاوی علیه کشورهای عمده آلوده‌کننده کربن پیشنهاد کرده است. بااین حال، مشخص نیست که چنین دادگاه کیفری تاکنون پیشنهاد شده باشد. دادگاه‌های منطقه‌ای نیز پدیده‌ای نسبتاً جدید و در حال تحول هستند.

پروفسور مایلز جکسون درخصوص دادگاه‌های بین‌المللی کیفری جایگزین می‌نویسد: «این دادگاه‌ها ممکن است در سراسر قاره، مانند دادگاه آفریقا، یا چندجانبه یا حتی دوجانبه باشند که در آن دو دولت یک دادگاه کیفری برای تعقیب جرائم در یک درگیری خاص تأسیس می‌کنند که این مهم می‌تواند یک گزینه تحول‌گرا باشد. درحالی که قبلاً پذیرفته شده بود که دیوان بین‌المللی کیفری نمی‌تواند بر اتباع دولت‌هایی که به صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری ملحق نشده‌اند و حق وتو را داشته‌اند، صلاحیت داشته باشد. جهان در حال حاضر به دنبال این است که بداند آیا ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، را می‌تواند در خارج از کشور به دلیل جنایت تجاوز و جنایات جنگی برای تهاجم به اوکراین تحت تعقیب قرار دهد؟ و دیوان کیفری بین‌المللی در حال انجام تحقیقات است، اگرچه اساس صلاحیت آن نامشخص است.^{۱۴}

گزینه تحول‌گرای دیگر می‌تواند یک دادگاه موضوعی تحت یک معاهده جدید مثلاً در حوزه تغییر اقلیم یا جرائم زیست محیطی باشد. هرچند این مهم نیازمند اراده بین‌المللی و یک دیپلماسی پیش برنده دارد. در واقع این یک گام مؤثر در جهت تحقق صلاحیت جهانی نیز تلقی می‌گردد.

۷- نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد-اتحاد برای صلح

مجمع عمومی سازمان ملل متحد مسلماً عادلانه‌ترین مجمع در جهان است، زیرا تقریباً همه کشورها عضو آن هستند و از اصل «یک عضو-یک رأی» پیروی می‌کند. تصور فعلی این است که قدرتی برای ایجاد یک مجمع با صلاحیت قضایی بر همه دولت‌ها، از جمله کشورهایی که در شورای امنیت

سازمان ملل متحد حق وتو دارند، وجود ندارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌تواند قدرت خود را برای صلح در جایی اعمال کند که شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد مسائل مهم اقدام نکند. این در رابطه با درگیری کره در سال ۱۹۵۰ میلادی انجام شد، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی سابق تمام قطعنامه‌هایی را که منجر به اقدام می‌شد مسدود کرد. در پاسخ به این ناتوانی در اقدام، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۳۷۷ (V) را در مورد «اتحاد برای صلح» به تصویب رساند که در آن بیان داشت: در مواردی که شورای امنیت در مورد صلح و امنیت بین‌المللی به دلیل عدم اتفاق آرا اعضای دائمی، مسئولیت اصلی خود را برای حفظ صلح انجام نمی‌دهد، مجمع عمومی به این موضوع رسیدگی خواهد کرد. قطعنامه ۳۷۷ (V)، در مورد «اتحاد برای صلح» با یادآوری دو هدف اصلی سازمان ملل متحد، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» و «توسعه روابط دوستانه میان ملت‌های مبتنی بر صلح» و در مورد احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم و اتخاذ تدابیر مناسب دیگر برای تقویت صلح جهانی آغاز شد.

این اهداف دقیقاً با چالش تغییرات اقلیمی منطبق است و شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق طراحی دیوان بین‌المللی کیفری، از پیگرد قانونی سران کشورهای دارای حق وتو، چه در مورد ایالات متحده آمریکا و روسیه و چه در مورد چین که خود را تابع دیوان بین‌المللی کیفری نکرده‌اند، عملاً جلوی تعقیب را گرفته است. صلاحیت قضایی شامل بریتانیا و فرانسه می‌شود، اما احتمالاً هرگز تحت پیگرد قانونی قرار نخواهند گرفت، زیرا دیوان بین‌المللی کیفری به دلیل صلاحیت قضایی «پرکننده شکاف» خود به دولت موکول می‌شود، جایی که هدف آن فقط تعقیب در مواردی بود که دولت اصلی نمی‌خواهد یا قادر به انجام آن نیست این کار را انجام دهد (طیبی و پوره‌اشمی، ۱۴۰۳، ۴۵).

مقدمه قطعنامه ۳۷۷ (V) همچنان شکست شورای امنیت سازمان ملل متحد را تکرار می‌کند و سپس می‌گوید: «به ویژه با اذعان به این که چنین شکستی باعث سلب حقوق مجمع عمومی یا سلب

مسئولیت آن بر اساس منشور در رابطه با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌شود، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که: اگر شورای امنیت به دلیل عدم اتفاق آرا اعضای دائمی، مسئولیت اصلی خود را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در هر موردی انجام ندهد، مجمع عمومی فوراً موضوع را با هدف ارائه توصیه‌های مناسب به اعضاء برای اقدامات دسته جمعی، از جمله در مورد نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه، استفاده از نیروی مسلح در صورت لزوم، برای حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی بررسی خواهد کرد».^{۱۵}

به هر ترتیب «صلح و امنیت بین‌المللی» به راحتی می‌تواند در مورد تغییرات اقلیمی نیز اعمال شود. در این راستا، ناکامی شورای امنیت سازمان ملل متحد در اقدام به محاکمه سران کشورهایی که باعث تغییرات اقلیمی شده‌اند می‌تواند توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد رسیدگی قرار گیرد.

۸- دیوان بین‌المللی کیفری و اکوساید

از اکوساید به عنوان «اعمال ناخواسته» که باعث «آسیب شدید» و «زیان گسترده یا طولانی مدت» به محیط زیست شده، یاد می‌شود. به نظر می‌رسد تبدیل «اکوساید» به پنجمین جنایت بین‌المللی، معتبرترین و پیشرفته‌ترین تلاش تا به امروز برای گسترش صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری بوده و یکی از ابزارهای مؤثر و پیش برنده برای تحقق این مهم مباحث انتقادی دانشگاهیان و حقوقدانان درباره امکان‌پذیری سیاسی یک جنایت بین‌المللی زیست‌محیطی است. در این راستا می‌تواند کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را از هم جدا کرد و کشورهای آلوده‌کننده از جمله ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه و هندوستان را که هیچ کدام دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسند، وادار کرد تا خود را از حالت خودایمنی در برابر صلاحیت دادگاه مصون ندانند (قلی پور و مهر، ۱۳۹۹، ۴۷).

این در حالی است که فعالان اقلیم هشدار فزاینده‌ای را نسبت به انتشار گاز دی اکسید کربن، از

دست دادن تنوع زیستی و تشدید آلودگی ابراز کرده‌اند. این مهم را شواهد و قرائن نشان می‌دهند و تجربه مطالعاتی و تحقیقاتی نشانگر التهاب زیست کره در اثر تغییرات اقلیمی است و این که چرا ضرورت جرم انگاری آن درست درک نمی‌شود؟ جای تعجب دارد. از زمان لازم الاجرا شدن اساسنامه رم در اول ژوئیه ۲۰۰۲ میلادی، دیوان بین‌المللی کیفری فقط صلاحیت رسیدگی به چهار جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز را داشته است. حال زمان آن رسیده تا از یک سو با بازنگری در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، اکوساید نیز به عنوان پنجمین جرم معرفی گردد. از سوی دیگر، احیاء ماده ۱۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است که با این اقدام می‌توان به آینده حیات زیست کره بیشتر امیدوار شد و حداقل به حیات روبه رشد نسل آینده امیدوارتر می‌شویم. به هر ترتیب اکوساید را می‌توان به عنوان «اعمال غیرقانونی یا عمدی که با آگاهی از احتمال وجود آسیب شدید و گسترده یا طولانی مدت به محیط زیست ناشی از آن اعمال انجام می‌شود» تعریف کرد. این بیان به سبب وجود بحران‌های زیست‌محیطی کنونی که عمدتاً نتیجه الگوهای عمدی و ناپایدار استفاده از منابع توسط دولت‌ها در کشورهای شمال بوده، ارائه می‌شود. در حال حاضر، ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه، هندوستان و برخی دیگر از کشورهایی که بیشترین آلودگی را دارند در این دادگاه عضویت ندارند. در زمینه تغییرات اقلیمی که تنها یکی از جنبه‌های آلودگی انبوه است، ایالات متحده آمریکا با حدود بیست درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان، بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است. چین اکنون به کشور پیشرو در انتشار کربن تبدیل شده است و ایالات متحده آمریکا در رتبه دوم قرار دارد (Surma, 2022, 3).

این رویکرد سبب شده تا کشورهایی که سهم کمی در بحران‌های آلودگی جهان داشته‌اند، نخواهند خود را به قوانینی ملزم کنند که کشورهای آلوده‌کننده اصلی از آن فرار می‌کنند. هرچند کشورهای جنوب ممکن است با یک جنایت جدید اکوساید که فقط به صورت آتی اعمال می‌شود،

مشکل داشته باشند اما کشورهای در حال توسعه را از انجام همان رفتارهای مضر برای محیط‌زیست که کشورهای ثروتمند برای جمع‌آوری ثروت و توسعه انجام می‌دهند، منع می‌کنند. در این راستا، شکاف بالقوه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر سر جنایت اکوساید یک مسئله آشنا در حاکمیت محیط زیست جهانی است و مشکلات متأثر از این شکاف چندین دهه است که مذاکرات بین‌المللی اقلیمی را درگیر کرده است. این نقطه نظر نبایستی از اذهان دور بماند که در بحث‌های تحت کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا، پیشرفت عمدتاً از طریق اقدام داوطلبانه ملی با تعهداتی که در طول زمان افزایش می‌یابد^{۱۶}، حاصل شده است. ازسوی دیگر، تصویب جنایت بین‌المللی اکوساید، تعهدی الزام‌آور خواهد بود که عنصری از حاکمیت ملی را به دیوان بین‌المللی کیفری که تعهدی با ریسک بالاتر برای دولت‌ها است، واگذار می‌نماید (Surma, 2022, 3).

نکته مدنظر این است که دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به چه کسی را دارد؟ و این که آیا در صورت اضافه شدن جرم اکوساید صلاحیت رسیدگی تغییر خواهد کرد؟ اساسنامه رم فقط صلاحیت رسیدگی به جرم افراد را دارد. به نظر می‌رسد در این خصوص بایستی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را گسترش داد تا توانایی تعقیب شرکت‌ها را نیز شامل شود. هرچند مسئولیت فردی قوی‌ترین عامل بازدارنده است و همچنان به دادستان دادگاه اجازه می‌دهد تا اقدامات افراد را بررسی نماید اما، اقدامات زیست محیطی اصلاحی ممکن است تنها در صورتی امکان‌پذیر باشد که شرکت‌ها وارد لیست صلاحیت شوند (نمایان و طیبی، ۱۴۰۱، ۸). البته این مهم چالش‌های خاص خود را خواهد داشت. از جمله چالش‌ها، یکی این که به‌طور یکسان و پیوسته قانون اکوساید بر رفتارهای آلوده‌کننده اعمال شود. چالش دیگر، این نگرانی وجود دارد که جنایت اکوساید رویکرد سیاسی داشته باشد.

با این توصیف، اصلاح اساسنامه رم برای افزودن اکوساید ابتدا مستلزم آن است که یکی از یکصد و بیست و سه کشور عضو دیوان بین‌المللی کیفری به‌طور رسمی آن را پیشنهاد کند. سپس، یک فرایند چند مرحله‌ای مستلزم تصویب اصلاحیه دو سوم اعضای دیوان بین‌المللی کیفری «در حال حاضر حدود هشتاد و دو کشور» است. سپس، کشورها باید جرم جدید را در سطح ملی تأیید کنند تا صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را در مورد اکوساید بپذیرند. از این رو، می‌توان اذعان داشت که اساسنامه رم را یک سند زنده است و اکوساید شایسته بحث بسیار جدی است. اما در نهایت این کشورها هستند که تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند جنایات جدیدی را از طریق فرایندی که مستلزم «توافق بسیار گسترده» است اضافه کنند؟ لذا تا به امروز، حداقل بیست و سه کشور در مورد چشم‌انداز جنایت اکوساید بحث کرده‌اند و به نظر می‌رسد که کشورها بایستی قوانین ملی را دنبال کنند که این مهم شامل به رسمیت شناختن و حمایت از مدافعان حقوق محیط زیست، حفاظت از جنگل‌ها و فضای سبز، به رسمیت شناختن حق طبیعت و از همه مهم‌تر جرم انگاری سبز است.

۹- جمع سپاری پایدار

جمع سپاری پایدار به دنبال آزاد کردن قدرت مردم در همه جا برای کمک به معکوس کردن گرمایش جهانی است. این مهم برای کسانی است که این درک را دارند و می‌دانند که تغییرات آب و هوایی چقدر خطرناک و قریب الوقوع است و متوجه می‌شوند راهی که جامعه در آن قرار دارد غیرقابل قبول است و می‌خواهند هر کاری که می‌توانند برای کمک انجام دهد. این ساختار، انرژی جمعی، هوش و اقدامات مردم در سراسر جهان را ترکیب می‌کند تا پایداری بیشتری را در جهان جمع‌آوری کند؛ بنابراین، جمع سپاری پایدار بر دو محور درک مشکل «تغییر آب و هوا» و راه‌های حل مؤثر آن «پایداری» متمرکز است (Muller, 2015, 26).

در این راستا، جمع سپاری یکی از ابزارهای مهم مشارکت در جهت رفع مخاطرات اقلیمی

می‌تواند منشاء اثر باشد. در واقع این مهم در راستای تحقق اصل اطلاع‌رسانی و اصل مشارکت حرکت کرده و زمینه‌ای برای ترویج گفتمان تغییر اقلیم است.

نتیجه

با مذاقه در پژوهش حاضر پیرامون عدالت اقلیمی و تغییرات اقلیمی و رویکرد کیفرشناسانه و جرم انگارانه بین‌المللی کیفری، به نظر می‌رسد که زمینه تحقق این مهم در پرتو عدالت زیست محیطی امکان‌پذیر است. اما با وجود برخی از تعهدات بین‌المللی هنوز عدم پیروی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی دیده می‌شود. این که مخاطرات زیست محیطی مبنای توجیهی کیفرانگاری مناسبی در سطح بین‌المللی ندارد و هنوز در لیست صلاحیت جهانی تقیدی نیافته، لذا این مسئله با چالش‌هایی مواجه بوده است. از یک سو، تعارض عدالت زیست محیطی با عدالت اقلیمی و از سوی دیگر نقص ظرفیت‌سازی بین‌المللی در این خصوص سبب گردیده تا صلح و امنیت بین‌المللی نیز دستخوش این مغایرت‌ها بشود. از این رو، پرسش پژوهش حاضر ما این بود که تاب‌آوری نظام حقوق بین‌المللی کیفری تا چه میزان به تحقق جرم انگاری مخاطرات اقلیمی در پرتو عدالت زیست محیطی نزدیک است؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که ظرفیت‌های موجود زمینه تحقق جرم انگاری اقلیمی را فراهم ساخته اما تعهدات بین‌المللی و مسئولیت دولت‌ها با این روند همخوانی مناسبی ندارد.

در این پژوهش اشاره گردید که صلاحیت اعمالی دیوان بین‌المللی کیفری تحت حمایت ارکان‌های سازمان ملل متحد می‌توان اثربخش باشد ولیکن کشورهای مولد گازهای گلخانه‌ای عملاً این موضوع را دچار چالش نموده‌اند. این مهم سبب گردیده زمینه کیفری اقلیمی و به نوعی زمینه جرائم محیط زیستی در یک حالت توقف قرار گیرد. با این توصیف، به نظر می‌رسد مجمع عمومی سازمان ملل متحد بایستی به‌عنوان یک بازوی محرک قوی عمل نموده و نقش حمایتی خود را از این موضوع داشته باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بذار، وحید، ۱۴۰۰، اکوسید و دیوان کیفری بین‌المللی، تالار گفت‌وگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- جام بزرگ، مریم؛ پورنوری، منصور؛ پورهاشمی، سیدعباس؛ هرمیداس باوند، داود، ۱۳۹۸، مؤلفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی، فصلنامه علوم تکنولوژی محیط زیست، شماره ۸۳.
- حاج زاده، هادی، ۱۳۹۹، تحلیلی بر الزامات حقوقی متابله با تغییرات اقلیمی از منظر معاهدات بین‌المللی و قوانین داخلی، فصلنامه پژوهش‌های تغییرات آب و هوایی، شماره ۲.
- طیبی، سبحان، ۱۳۹۹، مروری بر توسعه سازوکارها در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست، فصلنامه تمدن حقوقی، شماره ۶.
- طیبی، سبحان و پورهاشمی، سیدعباس، ۱۳۹۶، مقابله با اکو تروریسم جهانی در پرتو دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۲.
- طیبی، سبحان و پورهاشمی، سیدعباس، ۱۴۰۳، تغییرات آب و هوایی در پرتو حکمرانی و عدالت کیفری بین‌المللی، فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل، شماره ۴.
- طیبی، سبحان و ضرابی، مهناز، ۱۳۹۷، دیپلماسی محیط زیست و تغییرات اقلیمی؛ راهبردی سازنده و رهیافتی کاهنده، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۴.

- طیبی، سجاد، ۱۴۰۰، مسئولیت کیفری دولت‌ها در قبال جرائم محیط زیستی در پرتو همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه تمدن حقوقی، شماره ۹.
- قلی پور، غلامرضا و مهرا، نسرین، ۱۳۹۹، جنایت اکوساید؛ گذشته، حال و آینده، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳۰.
- نمایان، پیمان و طیبی، سبحان، ۱۴۰۱، جرائم اقلیمی زیر ذره‌بین عدالت زیست‌محیطی دیوان کیفری بین‌المللی، فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل، شماره ۲.

لاتین

- Bachmann, Sascha-Dominik, 2007, Civil Responsibility for Gross Human Rights Violations-The Need for a Global Instrument, Pretoria, Pretoria University Press.
- Bassiouni, Cherif, 2005, The Legislative History of the International Criminal Court Volume I, New York, Transnational Publishers.
- Climate Crime at the ICC, 2022, Environmental Justice through the Looking Glass Patrick Canning, Environmental, Natural Resources, & Energy Law.
- Climate Justice Desserts, 2022, The UNGA is the Climate Justice Forum to Address the Prosecution of Heads of State for Climate Crime - Patrick Canning, Environmental, Natural Resources, & Energy Law Blog.
- Gergis, Joëlle, 2022, Humanity's Moment: A Climate Scientist's Case for Hope, Schwartz Books Pty. Ltd.
- IPCC, 2022, Sixth Assessment Report, Climate Change and Crime.
- Knight, Carl, 2023, Climate Justice Principles, University of Glasgow Kevin Le Merle, FEPS.
- Klip, André, 2012, European Criminal Law-An Integrative Approach (Second Edition) , Antwerp, Inters entia.
- Lovelace, R., 2009, Notes from Prison, in Speaking for Ourselves: Environmental Justice in Canada, UBC Press.
- Muller, C.L., 2015, Crowdsourcing for Climate and Atmospheric Sciences: Current Status and Future Potential.
- Minha, Donna, 2020, The Possibility of Prosecuting Corporations for Climate Crimes Before the International Criminal Court: All Roads Lead to the Rome Statute? Michigan Journal of International Law, Volume 41, Issue 3.
- Owiso, O., 2021, ICC Sanctions Symposium: The United States of America, Racism and

Sanctions Meet at the International Criminal Court, Opinion Juris, online.

- Poorhashemi, Abbas, 2022, International law and Global Governance, CFILE Journal of International Law, 3 (5) , A.
- Poorhashemi, Abbas, 2022, Opportunities and Challenges Facing the Future Development of International Environmental Law. In: Gökçekuş, H., Kassem, Y. (eds) Climate Change, Natural Resources and Sustainable Environmental Management. NRSEM 2021. Environmental Earth Sciences. Springer, Cham.
- Shue, H., 2014, Climate Justice: Vulnerability and Protection, Oxford University Press, Oxford, UK.
- Skillington, Tracey, 2019, Climate Change and Intergenerational Justice, Routledge Publication.
- Surma, K., 2022, The International Criminal Court Turns 20 in Turbulent Times. Should 'Ecocide' Be Added to its List of Crimes? Inside Climate News.
- UN Security Council, 2021, Press Release, SC/14445, Climate Change 'Biggest Threat Modern Humans Have Ever Faced, World-Renowned Naturalist Tells Security Council, Calls for Greater Global Cooperation. online.
- Vinuales, Jorge E., 2011, Balancing Effectiveness and Fairness in the Redesign of the Climate Change Regime, Leiden Journal of International Law 24.
- Werner, Wouter, 2007, Constitutionalisation, Fragmentation, Politicization, the Constitutionalisation of International Law as a Janus-faced Phenomenon, Griffin's View on International and Comparative Law 8.
- Werle, Gerhard, 2005, Principles of International Criminal Law, The Hague, TMC Asser Press.
- Zahar, Alexander & Göran Sluiter, 2008, International Criminal Law, Oxford, Oxford University Press.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.28- Summer 2026

Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani

Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi, Majede Magholi

Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh

Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System

Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi

Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi

A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

Saber Sayyari Zohan

Challenges of Electronic Documents in Iranian Law

Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor

The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions

Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri

Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari

A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death

Sayede Nazanin Mousavi

Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System

Kamran Rahimi Sekkeh Ravani

A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions

Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo

Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures

Javad Cheraghi

Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

Esmail Chogani

The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights

Vahid Kioumars

Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL

Model Law; Theories and Practices

Saeed Johar

the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghavi

The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

Hamidreza Ghanaatian

The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach

Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi

The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law

Negar Fouladi, Vajihe Mohseni

Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

Ahmad Padidar, Mohammad Kamali

Smart Contract in the Iranian Legal System

Mahdi Salehi Zadeh

Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability

Saeed Sardashti Birjandi

the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure

Mohammadhasan Malek Mohammadi

Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability

Zahra Enalouy Esfahani

The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions

Amirreza Alitabar

Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States

Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri